گزارشی از کیلومترها پیشروی به عمق خاک دشمن

رزمندگانی که در اوج جنگ به زیارت کربلا رفتند

احمد محمد تبریزی

احتمالاً برای بسیاری این سؤال پیش آمده که آیا رزمنده‌ای در دوران دفاع مقدس و در بحبوحه جنگ توانسته به کربلا و زیارت حرم سیدالشهدا(ع) برود یا خیر. با مرور تاریخ دفاع مقدس و فعالیت رزمندگان باید به این سؤال پاسخ مثبت داد و گفت چنین موردی یکی دیگر از حماسه‌ها و گفتنی‌های جالب دفاع مقدس است که ارزش زیادی جهت پرداختن و آشنایی دارد.

تصویری از شهید سالمی نفر وسط در خاک عراق

شهید عبدالمحمد سالمی

داوطلب برای سخت‌ترین مأموریت

شهید «عبدالمحمد سالمی» دلاوری است که در اوج جنگ تحمیلی جرئت و جسارت رفتن به خاک عراق و زیارت حرم اهل‌بیت(ع) را پیدا کرد. البته این کار، به سادگی و راحتی امکانپذیر نبود و شخصی شجاع و زیرک برای انجامش می‌خواست. شهید سالمی تمام شرایط انجام چنین کاری را برعهده داشت. البته باید اشاره کرد شهید سالمی در این راه یک همراه همیشگی داشت به نام شهید «سید ناصر سیدنور». دو دوست در تمام لحظات این مسیر دشوار همراه هم بودند و پا به پای یکدیگر سخت‌ترین کارها را به سرانجام می‌رساندند. این دو دوست پس از تأسیس قرارگاه سری نصرت در سال ۱۳۶۱ با پذیرفتن مسئولیت شناسایی و عملیات‌های برون‌مرزی در خاک کشور عراق به عنوان یکی از پایه‌های اصلی این قرارگاه تبدیل شدند. سردار محسن رضایی در سخنانی درباره این دو رزمنده چنین گفته بود: «عبدالمحمد سالمی به همراه سید ناصر سیدنور نخستین عنصرهای اطلاعاتی ایران در خاک عراق بودند و مأموریت‌های زیادی را در استان العماره، بصره، ناصریه و حتی کربلا، نجف و خود بغداد انجام دادند. گزارش‌های دست اول و جالبی را برای ما آوردند. آنها با مدارک جعلی وارد عراق می‌شدند و هر کجا که می‌خواستند، می‌رفتند. در مأموریت‌ها تا دل بغداد پیش می‌رفتند و از آنجا اطلاعات می‌آوردند چیزی که در مخیله دشمن هم نمی‌گنجید.»

رد گم کردن رزمندگان

یکی از مهم‌ترین کارهای شهید سالمی رفتن به عمق خاک عراق و زیارت حرم اهل بیت(ع) در این کشور بود. او به همراه بلد عراقی خود وارد خاک عراق می‌شود و بعد از آشنایی با چند تن از مجاهدان عراقی توانست عملیات‌های برون‌مرزی محول شده را به بهترین نحو ممکن اجرا کند. حضور نامحسوس او آنقدر دقیق بود که در اوایل سال ۱۳۶۲ به همراهی یکی از بلدهای عراقی بر خلاف دستور و بدون اطلاع دادن به شهید سردار حاج علی هاشمی و سردار ناصری به زیارت عتبات می‌روند. آن زمان نیروهای امنیتی عراقی در حرم سیدالشهداء(ع) و حرم حضرت عباس(ع) و سایر حرم‌ها ایستگاه دائمی داشتند تا نیروهایی را که احتمال نفوذی بودن‌شان را از ایران می‌دادند، شناسایی و دستگیر کنند. در این گونه موارد فردی که نفوذ کرده بود، می‌بایست برای عدم حساسیت نیروهای امنیتی عراقی نه نماز جماعت بخواند و نه در کنار ضریح‌ها اختیار از کف بدهد و از شوق زیارت امامان خود برای اولین‌بار گریه و زاری کند؛ بلکه ناچار بود برای رد گم کردن همانند سایر عراقی‌ها زیارتی معمولی و ساده و مختصر بکند و از حرم بیرون برود. نیروهای امنیتی عراق از حرم حضرت امیر به تعقیب این دو شهید پرداخته‌اند که در ادامه با تدبیر آنها در عادی‌سازی رفتارشان و لطف خداوند از تعقیب منصرف شده‌اند.

جفای رژیم صدام

شهید سیدناصر سیدنور در گزارشی از حضور در کربلا می‌نویسد: «ابتدا قبر شش گوشه امام حسین(ع) و سپس قبر حبیب‌ابن مظاهر و سپس اصحاب امام حسین(ع) و حضرت ابوالفضل(ع) و محل قتلگاه امام حسین(ع) را زیارت کردیم. ساعت ۳ به منزل یکی از دوستان رسیدیم در آن جا صاحب‌خانه که یکی از فرزندانش به خاطر مخالفت با رژیم بعث در زندان به سر می‌برد پس از اینکه اطمینان حاصل کرد که من از آنها هستم شروع به صحبت کردند درباره مظلومیت مردم و جور و جفای رژیم صدام نمود و در حالی که گریه می‌کرد از وضعیت ناگوار آیت‌الله خویی و سید یوسف حکیم گفت.»

علی چنانی همرزم شهید سالمی درباره فعالیت‌های اطلاعاتی شهید می‌گوید: «به جرئت می‌توان گفت شهیدان سالمی و سیدنور اولین ایرانی‌هایی بودند که در زمان اوج خصومت با عراق به زیارت عتبات عالیات مشرف شدند. هرچند در این راه آنها از تسلط خود به زبان عربی و همچنین جعل کارت شناسایی افسران ارتش عراق بهره می‌بردند ولی ورود به کشور دشمن آن هم در فضای خفگانی که رژیم بعث درست کرده بود، شجاعت بی‌نظیری را می‌طلبید که این دو شهید از آن برخوردار بودند. تقریباً تمامی بچه‌های قرارگاه سری نصرت که برای شناسایی به هور و منطقه عملیاتی خیبر وارد می‌شدند، انسان‌های شجاعی بودند، ولی خیلی از آنها مأموریت‌های دو الی چهار روزه داشتند و نهایتاً چندین کیلومتر به عمق خاک عراق نفوذ می‌کردند، ولی این دو شهید کیلومترها به خاک کشور دشمن خود سفر می‌کردند و یک بار نیز یک ماه در داخل خاک عراق ماندند. یعنی در همان سفری که منجر به زیارت تمامی اماکن مقدس عراق شد.»

> به جرئت می‌توان گفت شهیدان سالمی و سیدنور اولین ایرانی‌هایی بودند که در زمان اوج خصومت با عراق به زیارت عتبات عالیات مشرف شدند

هر دو شهید در سخت‌ترین شرایط کنار هم بودند و شهادت‌شان هم کنار هم رقم خورد. شهید سالمی و شهید سیدنور در جریان علمیات خیبر در سال ۱۳۶۲ شهد شیرین شهادت را نوشیدند و به دیار معبود شتافتند.

نگاهی به زندگی و مجاهدت‌های شهید دانشجو «محمدرضا فامیل زرگریان»

تا لحظه شهادت اجازه نداد خط سقوط کند

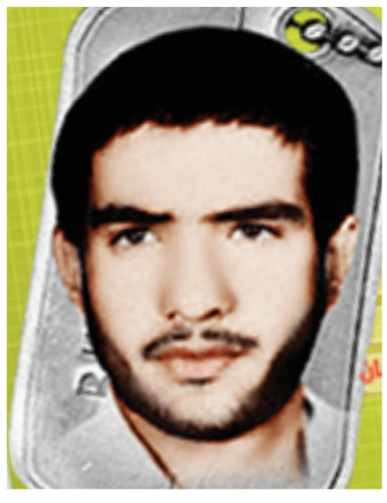

آرمان شریف

محمدرضا فامیل‌زرگریان در فروردین سال ۱۳۴۳ در همدان به دنیا آمد. امیدها و آرزوهای زیادی برای آینده‌اش داشت. عاشق درس خواندن بود و می‌خواست با علم و دانش نقش مفیدی برای آینده کشورش داشته باشد. در کنار درس خواندن از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی نیز غافل نبود.

محمدرضا ۱۴ ساله بود که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب حیات تازه‌ای برای محمدرضا بود. این انقلاب برای محمدرضا بلوغ فکری به دنبال داشت. او یکی از بسیجیان واقعی و مخلص بود که فعالیت خود را در بسیج آغاز کرد. هم در بسیج دبیرستان ابن‌سینا عضو بود و هم مسئولیت فرماندهی بسیج مسجد امیرالمؤمنین(ع) را برعهده داشت.

پس از انقلاب فعالیت‌های بسیج بسیار سنگین بود و اعضای بسیج شب‌ها گشت زنی می‌کردند. هنوز امنیت و ثبات در شرایط و شهرها برقرار نشده و درگیری‌ها زیاد بود و گروهک‌های منافقان تحرکات زیادی در سطح شهر داشتند. هر دو پایگاهی که محمدرضا در آنها عضو بود شهدای زیادی تقدیم انقلاب کرد. در طول دوران دفاع مقدس ۸۵ نفر از دبیرستان ابن‌سینا به شهادت رسیدند که حاکی از فعالیت بچه‌های این مدرسه دارد.

قبولی در کنکور

شهید فامیل‌زرگریان در کنار فعالیت‌هایش در بسیج، جبهه دانش را ترک نکرد. محمدرضا حساسیت بالایی به بیت‌المال داشت. شب‌هایی که در پایگاه می‌ماند، چراغ‌های پایگاه را خاموش می‌کرد و با نور شمع درس می‌خواند تا از بیت‌المال استفاده شخصی نکرده باشد. برای قبولی در کنکور تلاش زیادی کرد و در نهایت در رشته پتروشیمی دانشگاه نفت اهواز قبول شد. آن زمان قبولی در دانشگاه نفت کار سختی بود ولی اراده محمدرضا، هر کاری را برای او شدنی می‌کرد.

همزمان با تحصیل در دانشگاه، محمدرضا به عنوان نیروی رزمی در سپاه انصارالحسین(ع) و اطلاعات عملیات مشغول شد. با وجود اینکه چند ماه قبل از قبولی در کنکور دچار مجروحیت شده بود اما باز ابایی از حضور در دانشگاه نداشت. همچنین محمدرضا رزمی‌کار هم بود و در اوایل انقلاب در باشگاه شهید اسلامیان ورزش می‌کرد و این ورزش و رزم او به سایر بچه‌های بسیج هم سرایت کرد و باعث شد تا همه اعضاء رزمی‌کار شوند.

برادر شهید، محسن فامیل‌زرگریان بشاش بودن و ساده‌زیستی و افتاده حالی را جزو مهم‌ترین خصلت‌ها و ویژگی‌های برادرش می‌داند. او درباره آخرین اعزام محمدرضا می‌گوید: «او از اهواز و از گردان خودمختار جعفر طیار اعزام شد، در عملیات بدر رزمندگان ایرانی مقداری پیشروی کرده و سپس مجبور به عقب‌نشینی می‌شوند، محمد جزو کسانی بود که خط را نگه داشته بود تا بقیه عقب بنشینند، در آنجا از ناحیه دو پا مجروح می‌شود، این را دوستانی که از او جدا شده و آخرین بار دیده بودند گفتند که خمپاره‌ای کنار او می‌خورد، اما کسی شهادت او را ندیده بود.»

چشم انتظاری خانواده

شهید محمدرضا فامیل‌زرگریان در تاریخ ۲۳ اسفندماه ۱۳۶۳ در شلمچه و عملیات بدر به شهادت رسید. برادر شهید بازگشت پیکر شهید و سال‌های چشم انتظاری خانواده را اینگونه توصیف می‌کند: «پس از پایان جنگ نوبت آوردن پیکر شهدا بود، در آن زمان هم با هر گروه از شهدایی که بازمی‌گشتند، خانواده استرس و نگرانی‌هایی داشتند، این جریان در زمان آزادسازی اسرا نیز باز برای ما تکرار می‌شد. ۱۵ سال طول کشید تا برای ما محرز شود محمد به شهادت رسیده، مفقوالاثر بودن با شهادت، اسارت و حتی مفقودالجسد بودن تفاوت بسیاری دارد چرا که هیچ خبری از او نداشتیم و نمی‌دانستیم اصلاً زنده است یا شهید شده، فشار روانی زیادی بر خانواده ما حاکم بود، گاهی برخی خبر از شهادت او می‌دادند و گاهی برخی خبر زنده بودن او را که اسیر است و در رادیو صحبت کرده، برای ما می‌آوردند و ما به تاب و تب می‌افتادیم.

آخرین بار آقای امیر خان‌زاده با بنده تماس گرفت و گفت این بار دیگر محمد آمده، آنجا بود که دیگر انتظار ۱۵ ساله به پایان رسید، با خصوصیتی که محمدرضا داشت همه حدس می‌زدیم که جز شهادت نصیب او نمی‌شود، سرانجام پیکر محمدرضا در سال ۱۳۷۸ در تفحصی کشف و به میهن بازگشت.»

گفت‌وگو

آذرماه و ۲ عملیات مهم جنگ در گفت‌وگو با یک راوی دفاع مقدس

«طریق القدس» خونین اما موفقیت آمیز بود

علیرضا محمدی

هر چند اغلب عملیات بزرگ دفاع مقدس در فصل زمستان انجام می‌گرفت، اما آذرماه که به جهت شرایط جوی و طول مدت شبانه‌روز شباهت‌هایی به زمستان داشت نیز میزبان دو عملیات مهم و نسبتاً بزرگ به نام‌های مطلع‌الفجر و طریق‌القدس بود. در گفت‌وگو با حسین محمودی از راویان دفاع مقدس به بررسی این دو عملیات پرداختیم.

جبهه غرب

وقتی که جنگ شروع شد، بعثی‌ها در جبهه غرب به دنبال ایجاد یک حاشیه امنیت برای شهر بغداد بودند. چون مرز سومار و میمک نزدیک‌ترین راه را به بغداد دارند. عراقی‌ها در این جبهه تلاش کردند تا به تنگه پاتاق برسند و شاهراه ورود به مناطق مرزی را به روی رزمندگان ببندند. آنها قبل از شروع رسمی جنگ آمدند و مناطقی از مرز قصرشیرین و خسروی و سرپل‌ذهاب را یا گرفتند یا پاسگاه‌های‌شان را بمباران کردند. چون می‌خواستند این خطوط ضعیف بشوند و برای شروع رسمی جنگ، کار راحت‌تری پیش‌رو داشته باشند.

مطلع الفجر

اولین روزهای جنگ، عراق آمد تا گیلانغرب را بگیرد و بعد به سمت تنگه پاتاق برود و آنجا را هم اشغال کند. اما چون مردم عشایر و رزمنده‌ها به سختی جلویش را گرفتند، دشمن مجبور شد به ارتفاعات صعب‌العبور منطقه مثل قاسم‌آباد و تنگه کورک برود و آنجا مستقر شود. اگر روی همین ارتفاعات تنگه کورک بایستید، می‌توانید تا دوردست‌ها را زیر نظر داشته باشید. واحدهای دشمن با استقرار در این ارتفاعات مشکلات زیادی برای رزمندگان و مردم منطقه ایجاد کرده بودند. نیاز بود تا آنها از منطقه عقب رانده شوند و دشت‌ها و عقبه خودی از زیر دید آنها خارج شوند. مطلع الفجر هم به همین منظور طراحی شد. اما چون محور دوم عملیات با شکست روبه‌رو شد، محور اول هم که پیشروی خوبی انجام داده بود نتوانست موفق عمل کند. هرچند که ضربه سختی به یگان‌ها و نیروهای دشمن وارد آمد و آنها تلفات بسیاری دادند.

بستان و جبهه میانی

در جبهه میانی، عراق در همان اولین روزهای جنگ آمد و شهر استراتژیک بستان را گرفت. تشریح شرایط منطقه به این شکل است که چون در سمت عراق منطقه هور اجازه نمی‌داد آنها جاده‌های نزدیک به مرز داشته باشند، حفظ شهر بستان و تنگه چزابه برای دشمن مهم بود تا از این طریق بتواند ارتباط بین جبهه شمالی و جنوبی‌اش در خوزستان را راحت‌تر انجام بدهد. بنابراین بستان یک منطقه استراتژیک برای دو طرف بود. با گذشت سال اول جنگ و انسجام جبهه خودی، ایران آمد یک عملیاتی طرح‌ریزی کرد تا بستان را از دشمن پس بگیرد. این عملیات در آذر ماه ۱۳۶۱ با نام طریق‌القدس انجام گرفت.

خونین اما موفقیت آمیز

عملیات طریق‌القدس در نیمه اول آذرماه ۶۱ با مشارکت سپاه و ارتش انجام گرفت. در این عملیات شهدای بسیاری تقدیم شد. خصوصاً فتح پل سابله و عقب راندن دشمن تا مرز چزابه، کار بسیار دشواری بود که صرفاً با جانفشانی و ایثارگری رزمندگان حاصل آمد. بر طبق برخی از آمارها، نیروهای خودی دو یا سه برابر تلفات دشمن شهید دادند، اما نهایتاً موفق شدند شهر استراتژیک بستان و تنگه چزابه را فتح کنند. چزابه برای عراق آن قدر اهمیت داشت که چند روز بعد از طریق‌القدس دوباره تلاش کرد در آنجا رخنه کند و به سمت بستان پیش براند که اینبار هم موفق نشد و با دادن تلفات فرار کرد. بعدها فتح شهر بستان جای پایی شد تا ایران دو عملیات موفقیت‌آمیز دیگر به نام‌های فتح‌المبین و الی بیت‌المقدس را انجام بدهد.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۶۵۵

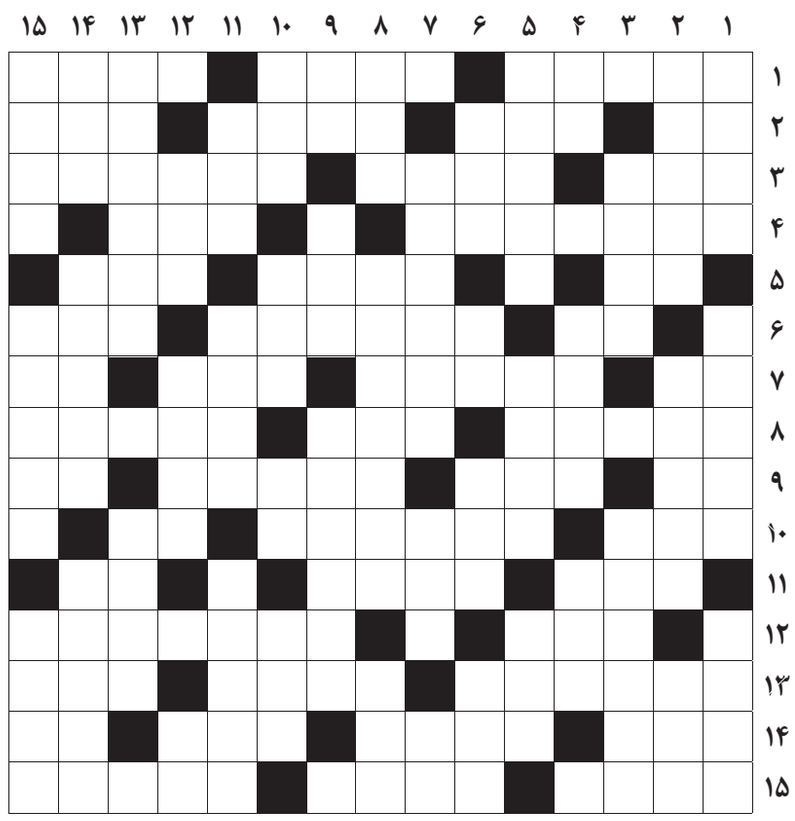

از راست به چپ

■ ۱- بخت‌برگشتگی- تاب و تحمل- سرشماری ■ ۲- آش- نیشکر- مسابقه اسب‌دوانی- رقیب شانه ■ ۳- برچسب- افسون رام کردن حیوانات گزنده- از خلبانان شجاع و شهید دوران دفاع مقدس ■ ۴- خوشبخت- کمک ■ ۵- حرف همراهی- آش آرد- غم و اندوه ■ ۶- خدا- شهر مرزی آذربایجان غربی- موشک ضدتانک ■ ۷- ثلث عدد نه- پیامبر زره‌ساز- غذای رقیق- هرگز عرب ■ ۸- شهر مبل و منبت‌کاری همدان- لیکن- تنگه بین سیبری و آلاسکا ■ ۹- حرف خطاب- ریسمان- فیلم غرب وحشی- یار گفت ■ ۱۰- خواب- از مشتقات آمونیاک- مادر لر ■ ۱۱- صیاد موش- عدد چهار یونانی- ویتامین جدولی ■ ۱۲- گیاه تاجریزی- ترمیم ■ ۱۳- نخود بوداده برشته شده- دانشمند و فیلسوف- مسیر ■ ۱۴- شیمی کربن- شیر بیشه- چرخ فولادی تانک- اولین نت ■ ۱۵- واحد شمارش صابون- باران پیاپی- همان پرونده است در زبان فرانسه

از بالا به پایین

■ ۱- پسوند روستاها- سقف فقرا- دیفتری ■ ۲- دومین رود طولانی اروپا- از گازهای تشکیل‌دهنده سطح خورشید- جای خالی از هوا ■ ۳- عطر سنتی- قلعه‌اش کتابی است از روبر مرل، رمان‌نویس فرانسوی ■ ۴- برادر عرب- از اعیاد اسلامی- درد چشم ■ ۵- یار ژولیت- نژاد ما- از استان‌های اندونزی ■ ۶- از گناهان کبیره- ضمیر مخاطب- از منابع فقه- پدر ادریس نبی ■ ۷- قطار شهری- غول یخی هیمالیا- از ویتامین‌ها ■ ۸- جریب- مهاجم نامدار آلمان غربی سابق و از بهترین گلزنان تاریخ- یقین ■ ۹- فریبنده زاد و فریبا بمیرد- میخ فلزی- نام حشره ای شبیه به سنجاقک ■ ۱۰- سبزی نقلی- ناامید- ماهی کنسرو- زمین آماده برای کشت ■ ۱۱- از فرزندان نوح- میوه تازه به بازار آمده- حریص ■ ۱۲- بهتر از بد- پارچه ابریشمی- از اقمار مشتری ■ ۱۳- اقدام به کاری کردن- کشاورز ■ ۱۴- جواب مثبت- ترنج- رهایی ■ ۱۵- قبض- خالق تابلوی رنگ و روغن شب پرستاره- خدای یهود

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۵	۱							
						۳		۷
	۶		۸		۵			
			۹	۴		۸		
۱	۸	۷				۴		
							۳	۶
		۴				۶	۱	
		۲						
	۷		۳	۲		۵	۸	

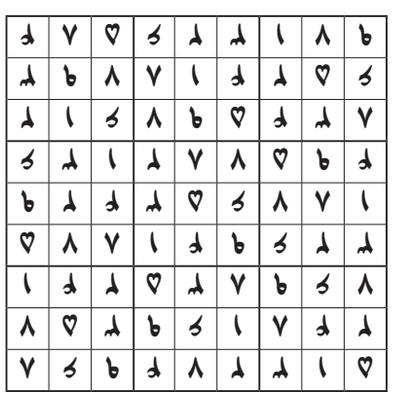

جدول کلمات متقاطع
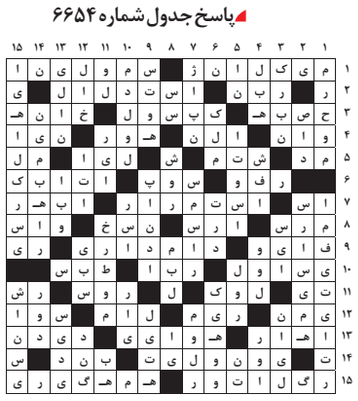
پاسخ جدول شماره ۶۶۵۴